

Original Article

Investigating the Attitude of the Islamic Society Towards the Principles of Civil rights

Mohammad Daraei¹, Ahmad Reza Khazaei^{2*}, Ebrahim Yaghouti³

1. PhD Student in Jurisprudence and Basics of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author)

Email: Dr.khazaei46@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 5 Feb 2020 Accepted: 11 Jul 2020

Abstract:

Background and Aim: Islamic Society Which is in Fact the Same Country or Islamic Land Where the Majority are Muslims or Islamic Rules Prevail, Has a Lot Relationship With Citizenship Rights. The Members of the Islamic Community are Citizens (Muslims and non-Muslims) Who Have Their Own Rights. The Present Study Seeks to Investigate the Attitude of the Islamic Society Towards the Civil Rights.

Materials and Methods: The Present Descriptive-Analytical Research has Collected Information from Books, Articles, Religious Texts and Documents to Write the Subject.

Findings: Islamic Society Often Means Drawing an Ideological Border or, if Possible, a Geographical One Between the Islamic World and the World of Infidelity, Which, of Course, is Based on the Liberating Teachings of Islam and the Political, Social, Cultural and Economic Rights of Citizens. It is Observed Among Muslims and Non-Muslims as Well. Therefore, the Emergence of the Islamic Society is Due to the Implementation of Islamic Rules and Peaceful Coexistence Based on Divine Teachings and Does not Only Deal With the Rights of Citizens at the Geographical Border.

Conclusion: The Islamic Society Defines the Range of Attitudes and Boundaries of Islam in Relation to Other Schools and Ideologies, But its View to Contemporary Citizenship Rights is a Positive and Progressive. The Idealistic and Extraterritorial View of Islamic Society is not Compatible With the Hegemonic Approach, but is a Moral Message for the Realization of the Oppressed Around the World and a Life of Peace and Justice that Forms the Basis of Civil Rights Today. Islamic Jurists Should Try to Explain the Islamic Rules on Citizenship Rights in the Light of Contemporary Developments and to Avoid Accusations of Human Rights Around the World. This Unites the Islamic World, Both Shiites and Sunnis, and Creates a Unified Approach to Customary Citizenship Rights.

Keywords: Islamic Society; Islamic Citizenship; Citizenship Rights; Islam

Please cite this article as: Daraei M, Khazaei A R, Yaghouti E. Investigating the Attitude of the Islamic Society Towards the Principles of Civil Rights. *Med Hist J*, Special Issue on the History of Islam and Iran 2020; 125-136.

بررسی نگرش دارالاسلام به اصول حقوق شهروندی

محمد دارایی^۱، احمد رضا خزایی^{۲*}، ابراهیم یاقوتی^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Dr.khazaei46@yahoo.com

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۶ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۱

چکیده

زمینه و هدف: جامعه اسلامی که درواقع همان کشور و یا سرزمین اسلامی است که اکثریت آن مسلمان هستند و با احکام اسلامی در آن غلبه دارند، ارتباط زیادی با حقوق شهروندی دارد. به این دلیل که اعضای جامعه اسلامی را شهروندان (مسلمان و غیرمسلمان) تشکیل می‌دهند که دارای حقوق خاص خود هستند. پژوهش حاضر درصدد بررسی نگرش جامعه اسلامی به مقوله حقوق شهروندی است.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که با جمع‌آوری اطلاعات از کتب، مقالات، متون دینی و اسنادی نسبت به نگارش موضوع اقدام نموده است.

یافته‌ها: جامعه اسلامی اغلب به معنای ترسیم مرزی عقیدتی و یا در صورت امکان، جغرافیایی میان دنیای اسلام و دنیای کفر است که البته بر پایه تعالیم رهایی‌بخش اسلام شکل می‌یابد و حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهروندان اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان نیز در آن رعایت می‌شود. بنابراین مطرح شدن جامعه اسلامی به دلیل پیاده کردن احکام اسلامی و همزیستی صلح‌آمیز بر پایه تعالیم الهی است و تنها به حقوق شهروندان در مرز جغرافیایی نمی‌پردازد.

نتیجه‌گیری: جامعه اسلامی گستره نگرش و مرزهای اسلام را در برابر سایر مکاتب و ایدئولوژی‌ها مشخص می‌نماید که البته نگاه آن به حقوق شهروندی معاصر، نگاهی مثبت و پیشروانه است. نگاه آرمان‌خواهانه و فراسرزمینی جامعه اسلامی با رویکرد سلطه‌طلبی سازگار نیست، بلکه پیامی اخلاقی برای احقاق مظلومان و ستمدیدگان در سراسر جهان و زندگی توأم با صلح و عدالت است که امروزه مبانی حقوق شهروندی را نیز تشکیل می‌دهند. فقهای اسلامی می‌بایست تلاش نمایند تا در پرتو تحولات معاصر و دوری جستن از اتهامات حقوق بشری در سطح جهان به تشریح احکام اسلامی درباره حقوق شهروندی بپردازند. این مسأله باعث وحدت جهان اسلام اعم از شیعی و سنی می‌شود و رویکرد واحدی در قبال حقوق شهروندی عرفی ایجاد می‌نماید.

واژگان کلیدی: جامعه اسلامی؛ شهروندی اسلامی؛ حقوق شهروندی؛ اسلام

مقدمه

جامعه اسلامی که در گذشته و امروزه نیز مورد استفاده فقها و اسلام‌شناسان قرار گرفته است، نگرش خاصی به تقسیم‌بندی کشورهای اسلامی با کشورهای غیراسلامی است که غالباً از آنان با عنوان دارالکفر یاد می‌شود، اما با این وجود، تنها به افراد مسلمان معطوف نمی‌شود، بدین معنا که در جامعه اسلامی افراد کافر نیز زندگی می‌کنند که شرایط و معیارهای آنان برای زندگی در جامعه اسلامی متفاوت است. تقسیم‌بندی‌هایی از این قبیل، هرچند نگرش جهان‌وطنی آموزه‌های اسلامی را نشان می‌دهد، اما همواره و براساس سوابق تاریخی و همچنین نگرش‌های حقوقی، درصدد نادیده گرفتن حقوق دولت‌ها و ملت‌ها در اقصی نقاط جهان نبوده است. آنچه باعث شکل‌گیری و رواج چنین دیدگاه‌هایی می‌شود، رویکرد واقع‌گرایانه و توأم با آرمان‌گرایی است که باعث می‌شود راه‌حل‌های مناسبی برای زیست اخلاقی و مسالمت‌آمیز شهروندان در دوره‌های مختلف تاریخی فراهم شود، بنابراین بیان احکام اسلام و اجرای آنان در قالب جامعه اسلامی و تفکیک آن از دارالکفر هدفی جز شناسایی و ملاک قرار دادن تقوا برای برتری بخشیدن به انسان‌ها نیست.

اهداف اصلی پژوهش حاضر توضیح و تشریح این مسأله است که علی‌رغم نگرش جهان‌گرایی اسلام به سیاست، اجتماع و اقتصاد، مرزبندی‌های بین‌المللی، کشوری و سرزمینی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد و علاوه بر این، حقوق افراد در جوامع اسلامی و سایر جوامع را نیز به دیده احترام می‌نگرد. همچنین حقوق افرادی که در جامعه اسلامی و یا کشور اسلامی نیز زندگی می‌کنند، مورد توجه است. برای مثال، جامعه اسلامی ممکن است از حیث جغرافیایی دربرگیرنده افرادی باشد که یا پیرو مذهب اسلام نباشند و یا اینکه به دلایل خاصی تحت لوای حکومت اسلامی باشند. بنابراین، بررسی نگرش جامعه اسلامی به مرزبندی‌های بین‌المللی در خارج از مرزهای سرزمینی اسلام و همچنین توجه به حقوق شهروندان در داخل، دارای اهمیت است. ضمن اینکه از حیث تاریخی نیز نگاه اسلام به حقوق شهروندی و ارتباط با سایر کشورها و سرزمین‌ها می‌تواند نگرش امروزه جوامع و کشورهای اسلامی

را دچار تغییر نماید و یا اینکه راه‌حل تازه‌ای پیش‌روی آنان بگذارد، هرچند حقوق شهروندی موضوعی مرتبط با تحولات معاصر است، اما عناصر و شاکله‌های آن اعم از آزادی، عدالت، برابری و مشارکت مردم، همواره در آموزه‌ها و احکام دینی و در قالب قواعد فقهی و حقوقی و همچنین رویدادهای سیاسی و اجتماعی در صدر اسلام و همچنین سیره ائمه معصومین (ع) قابل مشاهده است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود اینکه آیا وجود جامعه اسلامی و یا دفاع از آن حامی حقوق شهروندی در عصر جدید است و یا اینکه احکام آن تنها برای مسلمانان وضع شده و نمی‌تواند نگرش جهان‌شمول و فراگیر داشته باشد؟

پیشینه تحقیق

تحقیقات و پژوهش‌هایی که در حیطه موضوع جامعه اسلامی دیده می‌شوند، متعدد و گسترده هستند و به طور مشخص بر مفهوم دارالاسلام تأکید می‌کنند. بر این اساس به برخی از مهم‌ترین تحقیقات انجام شده پرداخته می‌شود:

آریا عزیزی (۱۳۹۷) در مقاله «شناسایی از دیدگاه حقوق بین‌الملل اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر»، حقوق بین‌الملل اسلام را در پرتو تحولات معاصر مورد ارزیابی قرار می‌دهد و بدین نتیجه می‌رسد که موضوع دارالاسلام به هیچ وجه مانعی برای به رسمیت شناختن سایر کشورها و نظام‌های سیاسی در جهان معاصر نیست. میرعلی و رضایی (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «وجوب حفظ دارالاسلام در اندیشه و رفتار سیاسی صاحب عروه»، به بررسی جایگاه دارالاسلام در اندیشه سیاسی سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی معروف به صاحب عروه پرداختند و چنین نتیجه گرفتند که با توجه به ضرورت‌های مسلمانان در عصر حاضر، وجوب حفظ دارالاسلام بر سایر مسائل از جمله جان و مال ارجحیت دارد. عمید زنجانی و کرمی (۱۳۸۹) در مقاله «ماهیت سرزمین در فقه امامیه» دیدگاه‌های مختلف فقها درباره دارالاسلام را مورد توجه قرار می‌دهند و به این نتیجه می‌رسند که مهم‌ترین معیار، برپایی حکومت مسلمانان در عصر حاضر است که می‌تواند دارالاسلام را به عنوان یک مفهوم جدید معرفی نماید. موسوی بجنوردی و دانش‌پور (۱۳۸۵) در مقاله «بررسی فقهی حدود دارالاسلام و

نگاه جمعی، عمران و آبادانی بر روی زمین است که می‌توان گفت هدف جمعی انسان در قالب تشکیل حکومت نمودار می‌شود (۱). بنابراین جامعه اسلامی، سرزمینی از اسلام است که تحت قلمرو عقاید اسلام است و از حیث جمعیت و یا نفوذ احکام اسلامی، دارای تمایزی با سایر سرزمین‌ها و قلمروهای دیگر می‌باشد. به همین دلیل هر جا از جامعه اسلامی سخن به میان می‌آید، در مقابل آن، دارالکفر نیز مطرح می‌شود، زیرا جایی که احکام اسلام در آن نباشد و مردم آن مسلمان نباشند، نمی‌تواند ویژگی جامعه اسلامی را داشته باشد. آنچه امروزه می‌تواند بیانگر جامعه اسلامی باشد، کشور اسلامی است که هم به لحاظ جغرافیایی و هم به جهت بهره‌گیری از احکام و دستورات دینی، پیرو اسلام باشند.

۲- حقوق شهروندی

حقوق شهروندی یکی از تحولات و پیامدهای عصر مدرن است که امروزه به عنوان یکی از اصول حکمرانی نیز به شمار می‌رود. حقوق شهروندی اصول آزادی، برابری، عدالت و مشارکت همگانی را در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دنبال و بر حقوق و تعهدات نیز تأکید می‌نماید. بر این اساس، شهروندی متضمن عضویت فعال یا منفعلانه افراد در یک دولت است که با توجه به حقوق و تعهدات مشخص و به شکل برابری در جامعه توزیع شده باشند (۲). می‌توان رسالت حقوق شهروندی را تحقق اهداف حقوق بشری، کرامت انسانی، آزادی، برابری و برادری دانست؛ با این تفاوت که انجام تعهدات حقوق بشری حکومت‌ها منوط به انجام تکالیفی از سوی شهروندان نیست، اما در حقوق شهروندی، شهروندان در صورتی زیر چتر حمایتی حقوق شهروندی قرار می‌گیرند که تکالیف شهروندیشان را انجام داده باشند.

جامعه اسلامی در فقه و آموزه‌های اسلامی

ویژگی مهم دین اسلام، فرامروزی و جهانی بودن آن است. احکام و دستورات اسلام به گونه‌ای است که برخلاف سایر ادیان و مکاتب، همه آحاد بشری را صرف‌نظر از نژاد، جنسیت، رنگ، پوست، قبیله و نژاد مورد خطاب قرار می‌دهد. به همین دلیل، اهمیت انجام دستورات و احکام دینی تا جایی است که

دارالکفر با رویکردی بر اندیشه امام خمینی (ره)» به بررسی دیدگاه‌های مختلف فقهی درباره دارالاسلام می‌پردازند و به طور مشخص، دیدگاه امام خمینی (ره) را به عرصه سیاست و روابط بین‌الملل تسری می‌دهند که درواقع حاوی رویکرد مسالمت‌آمیز و جهان‌شمول آموزه‌های اسلامی است.

نگرش‌های فقهی به مسأله حقوق شهروندی بخش مهمی از تحقیقات انجام شده در حیطه ارتباط اندیشه اسلامی با حقوق شهروندی از جمله اصول شهروندی مدرن است. تحقیقات بالا نشان می‌دهند که دارالاسلام یک مسأله تاریخی و حائز اهمیت در نزد فقها و اندیشمندان مسلمان است، اما مفهوم جامعه اسلامی و نگرش آن به حقوق شهروندی در پژوهش خاصی مورد توجه قرار نگرفته است. پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی نگرش جامعه اسلامی به حقوق شهروندی بپردازد و چنین رویکردی را از منظر جامعه اسلامی و محورهای حقوق شهروندی بررسی نماید.

اهمیت تحقیق

بررسی نگرش جامعه اسلامی به حقوق شهروندی و مطرح شدن دیدگاه‌هایی که جامعه اسلامی را در تعارض با مبانی حقوق شهروندی مدرن می‌دانند، نیازمند آن است تا به نحو مطلوبی پاسخ داده شود. این ضرورت از آن جهت است که رویکردهای غربی و مبتنی بر گرایش‌های مادی، الگوی خود را مطلوب می‌دانند و الگوی اسلامی را یا نادیده می‌گیرند و یا اینکه احکام اسلامی را فاقد مبانی مناسبی برای حقوق شهروندی معرفی می‌کنند. بر همین اساس، اهمیت پژوهش حاضر، بررسی نگرش جامعه اسلامی به مؤلفه‌های حقوق شهروندی یا به عبارتی دیگر، بازنگری و بازخوانی اصول حقوق شهروندی در نگرش جامعه اسلامی است.

اصطلاحات

۱- جامعه اسلامی

منظور از جامعه اسلامی، رویکردی جمعی به زندگی انسان مسلمان است که معمولاً در قالب تشکیل حکومت نیز جلوه‌گر می‌شود. از این حیث، یکی از اهداف اساسی انسان از منظر

از جامعه اسلامی در برابر دارالکفر سخن به میان می‌آید که خود گویای توجه به مرزبندی حاکمیت الله و حاکمیت طاغوت است، زیرا پیاده کردن احکام اسلامی دارای شرایطی است که یکی از مهم‌ترین آنها وجود اکثریتی مسلمان و یا نفوذ داشتن احکام اسلامی در آن سرزمین است.

بخشی از تعاریف مربوط به جامعه اسلامی، وجه عقیدتی آن را مورد توجه قرار داده‌اند و برخی دیگر نیز بر وجه سرزمینی و جغرافیایی آن تأکید کرده‌اند. علمای پیشین اسلامی در ابتدا حاکمیت احکام و شریعت اسلامی (۳) را مبنای شکل‌گیری جامعه اسلامی دانسته‌اند. از جمله می‌توان به شیخ طوسی اشاره نمود که چنین بیان می‌کند: «دار بر دو نوع است: دارالاسلام [جامعه اسلامی] و دارالحرب. جامعه اسلامی بر سه قسم است: ۱- سرزمینی که توسط مسلمانان و در زمان اسلام ساخته شده است و مشرکان بر آن راه نیافته‌اند، مانند بغداد و بصره؛ ۲- دارالکفر که مسلمانان بر آن غلبه یابند و آن را از طریق صلح به دست آورند و بر ساکنان آن جزیه تعیین نمایند؛ ۳- داری که متعلق به مسلمانان بوده باشد و مشرکان آن را تصرف کنند؛ مانند طرسوس، اما قسم دوم از انواع دار، دارالحرب است مانند روم» (۴).

اما در دوران معاصر و با اهمیت یافتن نقش سرزمین در تعیین دولت‌ها و نظام‌های سیاسی، حاکمیت سیاسی دولت اسلامی (۵) به عنوان مبنایی برای دارالاسلام در نظر گرفته شده است. در همین راستا، فقهای معاصر جامعه اسلامی را به معنای سرزمین جغرافیایی جهان اسلام در نظر گرفته‌اند (۶). همچنین برخی دیگر، تسلط داشتن اکثریت مسلمانان در یک سرزمین (۷) را به معنای وجود جامعه اسلامی تلقی می‌کنند. بنابراین در تعریف جامعه اسلامی، وجوه عقیدتی و سرزمینی به عنوان مرزها و وجوه تمایزبخش آن به شمار می‌روند. با این اوصاف در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که جامعه اسلامی سرزمینی است که اکثریت آن از مسلمانان تشکیل شده باشد و در آن امور دینی و شعائر اسلامی را با حفظ آزادی، امنیت و زندگی مسالمت‌آمیز دنبال می‌کنند. علاوه بر این، احکام اسلامی نیز در این سرزمین نافذ است و ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه تحت تأثیر تعالیم و آموزه‌های دین

اسلام است. روشن است که دارالکفر در مقابل این شرایط قرار می‌گیرد و به عبارتی شرایط ذکر شده را دارا نیست (۸).

با توجه به تسلط احکام و دستورات دین اسلام در حوزه‌های مختلف، شهروندی و حقوق مرتبط با آن به نوبه خود تحت تأثیر جامعه اسلامی قرار می‌گیرند. به عبارتی نمی‌توان حقوق شهروندی جامعه اسلامی را بر مبنای آموزه‌های عرفی و غیردینی تصور نمود، زیرا نافذ بودن احکام اسلام حائز اهمیت است. با این استدلال که پایه اساسی شهروندی اسلامی بر مبنای تلفیق دین و سیاست و یا تعیین‌کنندگی دین در حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی است، بنابراین توجه جامعه اسلامی به «حداکثر بودن مسلمانان» در آن و یا نافذ بودن احکام دین اسلام، حاکی از سازگاری آن با شهروندی اسلامی است. بدین ترتیب در این مسیر گسترده، جامعه اسلامی به‌عنوان رویکردی بالنده که معتقد به نقش‌آفرینی دین در متن جامعه و سیاست است، می‌تواند موجب تقویت ابتکارات از پایین به بالا در جامعه جهانی شود و با برقراری پیوند بین آرمان‌ها و واقعیات براساس دیدگاه آرمان‌خواهی واقع‌گرایانه به‌عنوان بازیگری نوین در روابط بین‌الملل به ایفای نقش بپردازد. افزون بر این، درک جامع از دین و توجه به کلیه سطوح فردی، خانوادگی، اجتماعی، محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی آن، قلمروی اقدام تمدن‌نوین اسلامی را گستره‌ای وسیع می‌بخشد (۹) که خود دربردارنده نگرشی اسلامی است که بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اصیل اسلامی تشکیل یافته و به پیش می‌رود.

جامعه اسلامی با ویژگی‌ها و مختصات خاص خود، نظام‌واره‌ای منسجم است که با مبادی، مبانی، اصول و قواعد و روش‌های دینی خود، مسیر انسان را در یک شبکه منسجم برای وصول به اهداف اسلامی جهت‌دهی می‌نماید. غایت‌مندی دومین شاخصه جامعه اسلامی می‌باشد که طی آن وصول به حیات معقول تکاملی، غایت و هدف فرهنگ اسلامی معرفی می‌شود. حیات معقول تکاملی حیاتی است که همه نیروها و استعدادهای بشر را در مسیر هدف‌های تکاملی ساماندهی نموده و شخصیت انسانی او را به تدریج متناسب با اهداف عالی حیات بشر و شرکت آگاهانه او در آهنگ زندگی به سمت

کمال برتر تکامل می‌بخشد (۱۰). مشخصه دیگر دارالاسلام جامعه اسلامی نگرش جهان‌شمولی و فراگیری آن است. فرهنگ اسلامی، فرهنگی است فراگیر؛ لذا همه افراد بشر در هر زمان و هر مکانی می‌توانند از آن بهره گرفته و راه خویش را به سوی هدف واحد طی نمایند. از آنجا که همه انسان‌ها بالفطره موحدند و به سوی هدفی واحد حرکت می‌کنند، امتی جهانی را تشکیل خواهند داد که دارای مقصدی خاص و آن رسیدن به کمال انسانی یعنی قرب خداوند می‌باشد. وحدت انسان‌ها در حیات معقول و حیات طیبه حول محور دین، مستحکم‌ترین وحدت فرهنگی خواهد بود. انسان‌ها همگی با سرمایه علم حضوری به ذات خویش و بینش شهودی به خالق خود و گرایش بندگی در ساحت فاطر خویش به دنیا می‌آیند. حفظ و مصونیت این علم حضوری در گرو دین اسلام خواهد بود تا بدین‌وسیله انسانیت او محفوظ بماند (۱۱).

با این اوصاف، جامعه اسلامی دارای ابعاد سیاسی، فرهنگی و دینی است و هنگامی که امت اسلامی تحت قلمرو اسلام می‌باشد، عمل بر مبنای دستورات و احکام آن نیز امری بدیهی است. همچنین باید گفت جامعه اسلامی علاوه بر وجوه سیاسی و اجتماعی، وجوه سرزمینی و جغرافیایی نیز دارد که مرز آن را با دارالکفر مشخص می‌سازد. در نهایت اینکه، جامعه اسلامی درواقع کشور و سرزمینی است که امت اسلامی در آن زندگی می‌کنند و تحت قلمرو اسلام است و یا احکام اسلامی در اداره زندگی آن نفوذ دارند. در حقیقت، معادلی که می‌توان برای جامعه اسلامی در نظر گرفت، جهان اسلام یا کشور اسلامی است (۱۲).

جامعه اسلامی و نگرش آن به حقوق شهروندی

پذیرش جامعه اسلامی از حیث عقیدتی و جغرافیایی، شرایط و قواعد خاصی را در عرصه‌های مختلف از جمله حقوق شهروندی پدید می‌آورد که به برخی از رؤس آن پرداخته می‌شود:

جهان‌شمولی و نفی نابرابری‌های فردی و اجتماعی

جامعه اسلامی هنگامی می‌تواند معنای خود را در عرصه سیاست و شهروندی اسلامی آشکار سازد که بتواند با فرا رفتن

از برتری‌های نژادی، قومی، قبیله‌ای و طبقاتی، توحید و برابری را ندا دهد. درواقع هدف اصلی از طرح ایده جامعه اسلامی، رهایی ملت‌ها از قید قوم، نژاد، قبیله، ملت و سرزمین است و آنچه را به عنوان عامل اصلی و امتیازبخش می‌داند، عقیده و تقوای الهی است. چه اینکه در دین اسلام، احکام نورانی آن برای قوم و ملت خاصی نیست و راهی برای هدایت بشر و نجات‌دهنده همه جهانیان است. هدف اصلی از تأسیس امت واحد تأسیس حکومت جهانی است (۱۳). در این رویکرد جهان‌شمول و فراگیر، مرزهای جغرافیایی و سرزمینی از اهمیت تعیین‌کننده‌ای برخوردار نیستند و آنچه تعیین‌کننده است، عمل شهروندان بر مبنای رعایت تقوای الهی و پیاده کردن احکام شریعت است که در نهایت «تقوا» را به عنوان معیار راستی و درستی شهروندان ارجح می‌داند. کلام خدا در این زمینه چنین است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». «ای مردم ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را ملت‌ملت و قبیله‌قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید خداوند دانای آگاه است» (۱۴).

بهره‌گیری از لفظ امت در قاموس جامعه اسلامی درواقع، نفی همه مناسبات ناسالم انسانی است که درصدد محروم کردن انسان‌ها از بسیاری مزایا و منافع اجتماعی است. به همین دلیل می‌توان گفت که به‌کارگیری لفظ امت در جامعه اسلامی، آثار مثبتی در عرصه سیاست و اجتماع دارد؛ ازجمله برابری در حوزه عبودیت، نفی سلطه بر افراد و نفی سلطه آنان بر یکدیگر، مساوات در برابر قانون و همچنین وجود سرنوشت مشترک (۱۵). از منظر شهروندی مندرج در جامعه اسلامی، ماهیت حقوق مزبور فردی و ناشی از حیثیت و کرامت ذاتی او است، زیرا این حقوق به فرد انسان بدان علت که انسان است، تعلق گرفته است و به همین جهت جهان‌شمول می‌باشد. بر این اساس، حقوق شهروندی حقوق انسان به لحاظ زندگی در اجتماع مشخص است و به همین لحاظ و متأثر از همین رابطه بیشتر ماهیت جمع‌گرایانه دارد تا فردگرایانه.

جامعه اسلامی بر محورهای خاصی تأکید می‌کند که هر یک می‌توانند پشتوانه‌ای برای حقوق شهروندی اسلامی باشند. از این جهت، امت، واجد یکی از معانی گسترده در شهروندی است که می‌تواند حقوق همه شهروندان اسلامی را نیز به رسمیت بشناسد. بدین ترتیب، جهانی بودن از ویژگی‌های قطعی دین اسلام است و حتی غیرمؤمنان به آن نیز می‌دانند که دعوت اسلام، همگانی بوده و محدود به منطقه جغرافیایی خاصی نبوده است. پیامبر (ص) به قیصر روم و پادشاه ایران و فرمانروایان مصر و حبشه و شامات و نیز به رؤسای قبایل مختلف عرب و ... نامه نوشت و پیک ویژه به سوی آنان فرستاد و همگان را به پذیرش این دین مقدس دعوت کرد و از پیامدهای وخیم مخالفت با اسلام برحذر داشت. خداوند در آیات زیادی، همه مردم را با عنوان «یا ایها الناس» (۱۴) و «یا بنی‌آدم» (۱۴) مورد خطاب قرار داده و هدایت خود را شامل همه انسان‌ها «الناس» (۱۴) و «العالمین» (۱۴) دانسته است.

با این اوصاف، اگر جامعه اسلامی را بتوان نوعی نگرش فرامرزی و البته جایی تلقی نمود که اکثریت آن مسلمان هستند و یا تحت نفوذ احکام اسلامی است، در این صورت حقوق شهروندی می‌تواند بر مبنای نگرش‌های عمومی و گسترده‌تری شکل بگیرد، زیرا دین اسلام و آموزه‌های آن در باب جامعه اسلامی به گونه‌ای است که زندگی انسانی را توصیه می‌کند؛ نیازهای فطری بشر را مورد توجه قرار می‌دهد؛ بر مبنای هدایت عمومی است؛ صلح‌سازی و صلح جهانی را مدنظر قرار می‌دهد؛ بدنبال تحقق عدالت جهانی است؛ نجات‌بخش ملت‌های تحت ستم است؛ عمران و آبادانی زمین را مورد توجه قرار می‌دهد؛ اهتمام خاصی به حقوق بشر دارد و حس بشردوستی فوق‌العاده‌ای را توصیه می‌کند (۱۶).

عدالت شهروندی در جامعه اسلامی

مطابق پیام الهی، عدل و ایجاد روابط عادلانه یکی از ضرورت‌های زندگی بشری است و از این رو نمی‌توان میان جنس (نوع) انسان تفاوتی قائل شد؛ رویکردی که با توجه به نافذ بودن احکام اسلامی در جامعه اسلامی دارای اهمیت خاصی است، هرچند این مسأله نباید باعث غفلت از توانایی‌ها

و ویژگی‌های متفاوت انسان‌ها شود، اما در هر صورت روابط و امتیازات عادلانه از ملزومات زندگی بشری است که ایده جامعه اسلامی هرگز از آن غفلت نمی‌ورزد. این مسأله فارغ از نگاه جنسیتی و به فرموده خداوند متعال در راستای پرستش خداوندی صورت گرفته است که همه را در قالب یک «امت واحد» مورد خطاب قرار می‌دهد. جایی که می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ». «این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امت واحدی بودند و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید!» (۱۴).

تمامی فرازهای حکومت حضرت امیر (ع) تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی است که امروزه مبنایی برای حقوق شهروندی اسلامی و دارالاسلام محسوب می‌شود. همچنان که در عمل نیز ایشان به واسطه عدالت‌شان به شهادت رسیدند، لیکن برخی از فرازهای سخنان ایشان حکایت از آن دارد که نه تنها ایجاد عدالت و رفاه اجتماعی جزء حقوق شهروندی می‌باشد، بلکه اساساً فلسفه حکومت اسلامی تحقق عدالت و رفاه اجتماعی است، خطبه ۳ نهج‌البلاغه چنین است که «...لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ، وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يَقَارُوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعْبِ مَظْلُومٍ، لَا لَقِيتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا، وَ لَسَقِيتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوَّلِهَا، وَ لَا لَفِيتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنَزٍ...». «هان! به خدایی که دانه را شکافت، و انسان را به وجود آورد، اگر حضور حاضر و تمام بودن حجت بر من به خاطر وجود یاور نبود، و اگر نبود عهدی که خداوند از دانشمندان گرفته که در برابر شکم‌بارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت ننمایند، دهنه شتر حکومت را بر کوهانش می‌انداختم و پایان خلافت را با پیمان خالی اولش سیراب می‌کردم، آن وقت می‌دیدید که ارزش دنیای شما نزد من از اخلاط دماغ بز کمتر است» (۱۷). بنابراین طبق این سخنان و سخنان بسیاری که در سرتاسر نهج‌البلاغه موجود است، فلسفه جامعه اسلامی، ایجاد عدالت و حداقل رفاه اجتماعی برای مظلومان و ستم‌دیدگان است که امروزه در قالب حقوق شهروندی و حقوق اقلیت‌های مذهبی مطرح است.

عدالت شهروندی در جامعه اسلامی ابعاد سیاسی چشمگیری نیز دارد. بدین معنا که تأکید جامعه اسلامی بر اکثریت مسلمانان و یا نافذ بودن احکام اسلامی، به معنای نادیده گرفتن و یا سرکوب حقوق دیگرانی نیست که تحت عنوان اهل ذمه و یا اقلیت‌های قومی و زبانی و مذهبی در جامعه اسلامی فعالیت می‌کنند، بلکه حقوق شهروندی اسلامی حکم می‌کند که حقوق این دسته از افراد نیز محترم شمرده شوند. متون نهج‌البلاغه حاکی از آن است که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نه تنها بر احترام به حقوق شهروندی متعهد بوده‌اند، بلکه بسیاری از حقوق مانند حق بر آموزش و پرورش، حق آزادی بیان و ... را ویژه مسلمانان ندانسته و عموم مردم را مخاطب آن می‌دانسته‌اند. حضرت امیر (ع) در خطبه ۹۷ نهج‌البلاغه با مذموم دانستن حکومت بنی‌امیه، حکومت آنها را اینچنین توصیف می‌کنند که «... حَتَّى يَقُومَ الْبَاكِيَانِ يَبْكِيَانِ: بَاكِ لِدِينِهِ، وَ بَاكِ يَبْكِي لِدُنْيَاهُ...» «... تا آنجا که دو دسته بگریند: مردمی بر دینشان و مردمی بر دنیایشان...» (۱۷). بنابراین حکومت زمانی حکومت مطلوب دین اسلام می‌باشد که حقوق شهروندان خود را فارغ از آنکه دنیاطلب یا دین‌مدار باشند تأمین نماید و البته جای تردید نیست که از طریق همان حق بر آموزش و پرورش است که حکومت اسلامی می‌تواند دنیاطلبان را با معارف الهی آشنا نموده و هدف اصلی خود که کمال حقیقی انسان‌ها است را محقق سازد.

توجه به حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شهروندان

هدف جامعه اسلامی ایجاد اجتماعی ایمن و سالم برای همه شهروندان یک سرزمین است. شواهد تاریخی گویای آن است که حضرت امیر (ع) یکی دیگر از کارکردهای حکومت را فارغ از اسلامی و غیراسلامی بودنش ایجاد امنیت در جامعه می‌داند تا به واسطه آن هم انسان مؤمن بتواند آزادانه به اعمال خویش بپردازد و هم انسان کافر بتواند از زندگی مادی خویش بهره‌مند شود، بخشی از متن خطبه ۴۰ نهج‌البلاغه چنین است: «وَ أَنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ، بَرٌّ أَوْ فَاجِرٌ، يَعْمَلُ فِي أَمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ، وَ يَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ، وَ يَبْلُغُ اللَّهُ فِيهَا الْاجِلَ، وَ يُجْمَعُ

بِهِ الْفَىءُ، وَ يَقَاتِلُ بِهِ الْعَدُوَّ، وَ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ، وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوَى، حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ، وَ يُسْتَرَاحَ مِنْ فَاجِرٍ» «برای مردم حاکمی لازم است چه نیکوکار و چه بدکار که مؤمن در عرصه حکومت او به راه حَقّش ادامه دهد و کافر بهره‌مند از زندگی گردد و خدا هم روزگار مؤمن و کافر را در آن حکومت به سر آرد و نیز به وسیله آن حاکم غنائم جمع گردد و به توسط او جنگ با دشمن سامان گیرد و راه‌ها به سبب او امن گردد و در امارت وی حق ناتوان از قوی گرفته شود تا مؤمن نیکوکار راحت شود و مردم از شر بدکار در امان گردند» (۱۷). بنابراین ضمن آنکه حکومت اسلامی موظف به تأمین امنیت جامعه اسلامی است باید به فکر تأمین استمتاعات مادی کفاری که در جامعه اسلامی هستند نیز باشد و این امر قطعاً محقق نمی‌شود جز با حصول امنیت در جامعه اسلامی. از دیگر فرازهای مشهور در نهج‌البلاغه پیرامون این موضوع خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه است که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «وَ لَقَدْ بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةِ فَيَنْتَزِعُ حِجْلَهَا وَ قَلْبَهَا وَ قَلَائِدَهَا وَ رِعَائَهَا، مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْأَسْتِرْجَاعِ وَ الْأَسْتِرْحَامِ، ثُمَّ أَنْصَرَفُوا وَافِرِينَ، ... فَلَوْ أَنَّ أَمْرَاءَ مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَشْفَا مَا كَانَ بِهِ مُلُومًا، بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا». «به من خبر رسیده مهاجمی از آنان بر زن مسلمان و زن در پناه اسلام تاخته و خلخال و دستنبند و گردنبند و گوشواره او را به یغما برده و آن بی‌نوا در برابر آن غارتگر جز کلمه استرجاع و طلب دلسوزی راهی نداشته، ... اگر بعد از این حادثه مسلمانی از غصه بمیرد جای ملامت نیست، بلکه مرگ او در نظر من شایسته است» (۱۷). همه این مضامین دلالت بر آن دارد که فقیر و غنی، مسلم و غیرمسلم همگی باید در منظر حکومت اسلامی از حمایت یکسان برخوردار باشند که راهنمای کاملی برای جامعه اسلامی در عرصه حقوق شهروندی در داخل و خارج از دارالاسلام است.

در این میان می‌توان میان «امنیت» فراگیر شهروندان و رسالت الهی ارتباط برقرار نمود و منافع جمعی و مشترک را بر منافع خرد و جزئی برتری داد. بدین معنا که در برابر احکام الهی و اهتمام به اجرای آنان سر تعظیم فرود آورد و مناسبات

زودگذر را در برابر منافع برتر و پایدار ناچیز شمرد و از آنان عبور کرد (۱۵). بنابراین حفظ و برقراری امنیت برای همه ساکنان دارالاسلام امری ضروری و گامی برای حفظ حقوق شهروندی آنان محسوب می‌شود. وضع غیرمسلمانان در جامعه اسلامی در صدر اسلام نیز بیانگر همین مسأله است و درواقع به مثابه راهنمای عمل در نظر گرفته می‌شود. بدین ترتیب که حقوق غیرمسلمانان در مسائل و موضوعات مختلف مورد توجه قرار می‌گرفت و از نتایج کارهای عام‌المنفعه آنان در امور دولتی و خدمات عمومی استفاده می‌شد. نکته مهمی که از گذشته تاریخی اسلام می‌توان یاد گرفت این است که اعمال شایسته شهروندان غیرمسلمان بدون پاسخ نمی‌ماند و حاکم اسلامی سعی می‌کرد با رعایت ملاحظات عقیدتی و سیاسی، مزایایی را برای آنان در نظر بگیرد، ازجمله می‌توان به اقدامات خلیفه دوم اشاره نمود که بانیان حفر کانال آب از رودخانه قاهره را معاف از پرداخت مالیات نموده بود، علاوه بر این، آنان در مسائل تجاری و اقتصادی وضع برابری با مسلمانان داشتند و می‌توانستند به تجارت کالا و اجناس در شهر و دیار مسلمانان مشغول باشند و کسب روزی نمایند. حتی در پاره‌ای از امور، وضع به گونه‌ای بود که غیرمسلمانان از وضعیت مناسب‌تری برخوردار می‌شدند و در برخی از زمینه‌ها، پیش‌قراولان جامعه به شمار می‌رفتند. نتیجه اینکه ثروت غیرمسلمانان در جامعه اسلامی و در صدر اسلام فزونی یافت و آنان در بسیاری از امور اقتصادی، نسبت به مسلمانان در وضعیت برتری قرار داشتند (۱۸). حال آنکه در سوی مقابل، مسلمانان علاوه بر پرداخت هزینه‌های زندگی خود و خانواده خود، ملزم به انجام امور شرعی و پرداخت هزینه‌هایی همچون خمس، زکات، عدم استفاده از ربا در مسائل اقتصادی و ... بودند و از این جهت محدودیت‌های شهروند مسلمان بیشتر از شهروند غیرمسلمان جلوه‌گر می‌نمود. علاوه بر این تکالیف شهروندی مسلمانان به دلیل پذیرش اسلام بسی بیشتر از غیرمسلمانان بوده است. در همین راستا می‌توان به اقدامات امام علی (ع) در زمان تصدی خلافت اشاره نمود که حقوق غیرمسلمانان را به نحو مطلوبی برقرار می‌نمود و اقدامات وی الگویی برای تأمین هزینه‌های زندگی شهروندان در تمامی

اعصار بوده است. در همین زمان بود که هزینه تأمین معاش از کارافتادگان مورد توجه ویژه قرار می‌گرفت و هریک از شهروندان غیرمسلمان از جمله سالخوردگان می‌توانستند از خدمات عمومی دولت اسلامی بهره‌مند شوند. به‌علاوه، حفظ دین و آیین غیرمسلمانان، از جمله بهره‌مندی از قبرستان جداگانه، داشتن مکان‌های مناسب و جداگانه برای عبادات، در اختیار داشتن برخی مناصب سیاسی و اجتماعی و همچنین بهره‌مندی از خدمات عمومی شهروندی بخش‌های مهمی از حقوق شهروندان غیرمسلمان است که در برخی کتب فقهی از جمله تفسیر شیبانی قابل مشاهده است (۱۸)، بنابراین هرچند در آموزه‌های اسلامی تأکید بر سعادت شهروندان مسلمان مورد توجه است، اما این رویکرد مانع از نپذیرفتن حقوق شهروندی غیرمسلمانان نیست. بدین ترتیب شهروندان غیرمسلمان که در مرزهای سرزمین اسلامی زندگی می‌کنند، حقوق شهروندی از جمله حق آزادی دین، مذهب، بیان و عقیده را دارا هستند و در این مسأله تفاوتی با مسلمانان ندارند. بنابراین تا زمانی که دولت اسلامی بر جامعه حکومت می‌کند، حقوق غیرمسلمانان در حوزه‌های سیاسی، مدنی، اقتصادی و اجتماعی محفوظ و پابرجا است. لذا از حیث بهره‌مندی از حقوق شهروندی، دارای امتیازات و شرایط قابل ملاحظه‌ای هستند که البته به دلیل برخی شرایط خاص، نمی‌توانند مشاغل کلیدی و حساس جامعه را بر عهده بگیرند (۱۹). در هر صورت آنچه مهم است توجه دولت اسلامی به حقوق شهروندی در اعصار مختلف است که هم در صدر اسلام و هم در شیوه و عمل معصومان (ع) نمود یافته است. همین رویکرد امروزه نیز می‌تواند در قالب حکومت‌داری بر منبای وجود جامعه اسلامی، مبنایی برای حقوق شهروندی در نظر گرفته شود.

عدل‌ورزی و شایسته‌سالاری

جامعه اسلامی ساختار حکومتی را برای شهروندان مفید و مؤثر می‌داند که در آن معیارهای اساسی اسلامی در زمینه حکومت‌داری مورد توجه ویژه قرار گیرد و پایه‌های حکومت اسلامی در نظر گرفته شوند. یکی از ویژگی‌های اساسی این

حکومت، اداره جامعه بر مبنای قسط و عدل‌ورزی میان آحاد مختلف جامعه است. بخش مهمی از آیات قرآن در وصف عدالت و چگونگی برقراری آن میان شهروندان بیان شده است. جایی که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ». «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت، گواهی دهید» (۱۴). بنابراین مسأله عدالت و عدل‌ورزی در اداره جامعه حائز اهمیت فراوان است. عدل در منظومه فکری اسلام به معنای توجه به شایسته‌سالاری و تقسیم منابع جامعه براساس شایسته‌سالاری می‌باشد. در تعریف عدل چنین بیان شده است: «عدل یعنی قرار دادن هر چیزی در موضع مناسب خود» (۲۰). باز در همین راستا در کلام امیرالمومنین بیان شده است: «العدلُ يَضْعُ الأمورَ مواضعها» (۱۷). بدین ترتیب عدل در آموزه‌های اسلامی علاوه بر اینکه ناظر بر روابط عادلانه میان شهروندان است، مبنایی برای شایسته‌سالاری و دستیابی به مزایا و مناصب اجتماعی از روی شایستگی است. بدین معنا که در دارالاسلام هرکس بر اساس شایستگی خود در جای مناسبی به کار گماشته شود و متناسب با آن، حق و حقوق خود را دریافت نماید و از این حیث تفاوتی میان مسلمانان و غیرمسلمانان وجود ندارد.

آیه ۸ سوره مائده زمانی که مؤمنین را به اقامه عدل امر می‌نماید، به طور مشخص، حاکمان اسلامی را مورد خطاب قرار می‌دهد و از آنان می‌خواهد که براساس قسط و عدالت، حکومت و میان مردم داوری نمایند (۱۴). این تأکید فارغ از گرایش عقیدتی، سیاسی و فکری مردم بیان می‌شود و نشانگر وجود الگویی برای حکومت‌ورزی در جامعه اسلامی است. بنابراین فراهم کردن شرایط مناسب برای همه شهروندان و تنظیم مقررات حقوقی، قضایی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در راستای نظم بخشی به جامعه، اساس حکومت‌داری در جامعه اسلامی است. چه اینکه علاوه بر ایجاد روابط عادلانه میان شهروندان، مشروعیت حکومت و دولت اسلامی بر مبنای برقراری روابط عادلانه میان شهروندان است که هر کدام از آنان در زمینه‌های مختلف بتوانند امور فردی و اجتماعی خود

را به پیش ببرند. مسأله عدالت در قرآن، روایات و سیره رسول گرامی اسلام (ص) و ائمه معصوم (ع) به قدری مهم است که به عنوان هدف اصلی سیاست‌ورزی نیز معرفی شده است؛ تا جایی که بیان می‌شود: «الْمُلْكُ يَبْقَىٰ مَعَ الْكُفْرِ وَلَا يَبْقَىٰ مَعَ الظُّلَمِ». بنابراین روابط شایسته و محبت‌آمیز شهروندان با یکدیگر و با حکومت زمانی برقرار می‌شود که جامعه عادلانه و بر مبنای عدالت و شایسته‌سالاری شکل گیرد که امنیت همه شهروندان در حوزه‌های مختلف مورد حمایت دولت قرار گیرد (۲۱).

اخلاق و آرمان‌خواهی

جامعه اسلامی با محوریت حقوق شهروندان، اساس تصمیمات جامعه دینی را بر پایه نهادینه‌سازی اخلاق اسلامی مطابق با نیازهای توسعه در جامعه دینی، تقویت اصول و هنجارهای جهان‌شمول و ارتقای جایگاه اخلاق و معنویت‌گرایی قرار می‌دهد و برای برقراری نظام جهانی نیز خواستار تکامل روحی و معنوی با تکیه بر دستاوردهای اخلاقی نظام اعتقادی اسلام است، البته اخلاق‌مداری علاوه بر احترام به کرامت انسانی، توجه به سرشت معنوی بشر، کمال‌جویی و آرمان‌طلبی بر لحظه‌شناسی و موقعیت‌سنجی نیز استوار است، بدین معنا که در موضع‌گیری‌ها و رفتارهای اخلاق‌مدار، صلاح و مصلحت جامعه اسلامی نیز مدنظر قرار می‌گیرد. می‌توان اذعان داشت که تمدن نوین اسلامی بر نقش‌آفرینی نوعی اخلاق جهانی و فراگیر استوار است که زبان مشترک ادیان الهی به شمار می‌آید و این رویکرد می‌تواند عامل وحدت‌بخش همه انسان‌ها به‌ویژه دین‌مداران باشد. این ویژگی مهم و روح‌بخش، انگیزه‌های آرمان‌خواهی را در وجود افراد زنده می‌کند و با تحول‌آفرینی در افکار و روحیات خسته بشر، امید و نشاط را در وجود آنان برمی‌انگیزد تا همه نگاه‌ها و تلاش‌ها به استقرار جامعه آرمانی معطوف گردد. در چنین فضایی، همگان خود را در فرآیند پیشرفت جامعه مؤثر و در بهترشدن آینده جهان سهیم می‌دانند (۲۲). بنابراین محیط اجتماعی جامعه اسلامی بر محوریت اخلاق، آرمان‌خواهی و همچنین به‌کارگیری معنویت در جامعه و امکان سیاست‌ورزی بر مبنای اخلاق اسلامی و الهی است.

نتیجه‌گیری

جامعه اسلامی بر مبنای تفکیک و شناسایی سرزمین اسلامی، شناسایی مرزهای بین‌المللی و کشورداری، حقوق شهروندان در خارج از سرزمین اسلامی و در داخل، نگرش خاص مبتنی بر تقوا و کرامت را معرفی می‌کند که با محور قرار دادن «امت اسلامی» و شناسایی مبتنی بر حقوق و تکالیف، نگرش جدیدی به حقوق شهروندی ایجاد می‌نماید. بر این اساس، جامعه اسلامی بر عدالت و آزادی و حقوق خاص شهروندانی که پیرو دین اسلام نیستند، اما در سرزمین اسلامی زندگی می‌کنند، توجه خاصی نشان داده است، زیرا شرایط زندگی در مرزها به گونه‌ای است که هم مسلمانان و هم غیرمسلمانان در آن زندگی می‌کنند. جامعه اسلامی بر مبنای توجه به عدالت و عدل‌ورزی به عنوان مهم‌ترین شاخصه حکومت‌ورزی، نقش مهمی به رعایت حقوق برابر شهروندان در داخل می‌دهد که از جهات مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارای حقوق خویش هستند، به علاوه اینکه، پیام جامعه اسلامی برای اقلیت‌های قومی، سیاسی، مذهبی و زبانی در داخل مرزهای سرزمین اسلامی بر این اساس است که هر یک از آنان با رعایت موازین قانونی و در نظر گرفتن مصالح جامعه به عنوان شهروند دارای حقوق و تکالیفی هستند، بنابراین رویکرد جهان وطنی جامعه اسلامی و تأکید بر اکثریت بودن مسلمانان در آن و یا نافذ بودن احکام اسلامی، به معنای نادیده گرفتن و یا سرکوب حقوق دیگرانی نیست که تحت عنوان اهل ذمه و یا اقلیت‌های مذهبی در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند؛ بلکه حقوق شهروندی اسلامی حکم می‌کند که حقوق این دسته از افراد نیز محترم شمرده شوند و تحت لوای حمایت‌های دولت اسلامی واقع شوند.

امنیت شهروندان در جامعه اسلامی به خوبی در سیره و رفتار رسول گرامی اسلام (ص) و ائمه معصوم (ع) قابل مشاهده است که هم شامل مسلمانان و هم غیرمسلمانان می‌شود. تجلی بارز آن «نهج‌البلاغه» و سیره مولای متقیان است که هم در بُعد خارجی و هم در بُعد داخلی توجه خاصی به حقوق ملل مختلف، شهروندان داخلی و اقلیت‌های مذهبی، زبانی و قومی نموده است. بر این اساس، شهروندان صرف‌نظر

از گرایش مذهبی، نیازمند امنیت در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هستند و نگرش جامعه اسلامی بر این اساس است که با شناسایی شهروندان مبتنی بر تقوا، رویکرد جدیدی را نمایش می‌دهد که اخلاق و معنویت، شایسته‌سالاری و عدل‌ورزی را نیز به همراه خود دارد. به نظر می‌رسد با توجه به یافته‌های پژوهش، ترسیم رابطه شهروندان بر مبنای جامعه اسلامی و گسترش این رویکرد به تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری حکومت اسلامی هم می‌تواند وحدت رویه مسلمانان را نسبت به حقوق شهروندی در سایر نقاط جهان گسترش دهد و هم اینکه حمایت‌های کشورهای اسلامی و از جمله نظام جمهوری اسلامی را در قبال شهروندان مسلمان و غیرمسلمان به همراه داشته باشد.

محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر به دلیل آنکه در قالب مقاله علمی پژوهشی مطرح شده است، رؤس مطالب مربوط به جامعه اسلامی و حقوق شهروندی را بررسی نموده و درک فراگیر و همه‌جانبه‌ای از جامعه اسلامی و حقوق شهروندی را مطرح نکرده است. ضمن اینکه، ایده جامعه اسلامی محل بحث و نزاع فراوانی است و نویسندگان تلاش نموده تا با برجسته نمودن وجه مدرن آن به اندیشه حقوق شهروندی بپردازد و از این جهت برخی دیدگاه‌های مربوط به جامعه اسلامی مطرح نشده است. به علاوه عدم دسترسی به برخی از منابع دست اول نیز بخش دیگری از محدودیت‌های پژوهش حاضر هستند.

References

1. Lakzaie. R. Lakzaie. Sh. Humantis and Society in Political Thought Ayatolla Khamenei. Journal Motaalieu Political. 2016: 4 (15); pp. 63-82. p. 71. [Persian].
2. Janoski. T. Citizenship and Civil Society. Cambridge: Publisher Cambridge University Press; 1998. p. 17. [English].
3. Najafi. M.H. Jawahiralkalam. Berrute: Publisher Daralehya Altarath Al-Arabia; 1998. p. 281. [Arabia].
4. Toosi. M.H. Al-Mabsoot in Imameih Jurisprudnce. Tehran: Publisher Maktab Al-Mortazavieh; 1998. p. 343. [Arabia].
5. Amidzanjani. A.A. Political Jurisprudence; International law of Islam. Tehran: Publisher Amir kabir; 1987. p. 232. [Persian].
6. Mesbah Yazdi. M.T. The wisest government; exploring the theory of Velayate-e- Faqih. Research and writing Shaban nia. Q. Qom: Publisher Imam Khomeini Research and Educational Institute; 2015. p. 254. [Persian].
7. Montazeri. H.A. Religion Government and Human Rights. Tehran: Publisher Govahan; 2009. p. 72. [Persian].
8. Mousavi Bojnurdi. M. Daneshpour. E. Jurisprudential Study of the Limist of Dar al-Islam and Dar al-Kufr with an approach to Imam Khomeinis Thought. Journal Matin. 2006: 15 (8); pp 87-105. p. 91. [Persian].
9. Reese. J. A. Religion in IR: The Cousin We Never Knew," International Relations. 2015: 1 (1); pp. 31-40. p. 37. [English].
10. Jaafari. M.T. Science and religion in a reasonable life. Tehran Publisher Alame Jaafari; 1999. p. 38. [Persian].
11. Mozafari Chenijani. F. Rahmatabadi. A. The role of Arbaeen pilgrimage Culture in The formation of Modern Islamic Civilization. Qom: Publisher university of Qom; 2018. p. 6. [Persian].
12. Azizi. A. Recognition from the perspective of Islamic International Law and Contemporary International Law. Journal Law Friend. 2018: 2 (6); pp. 457-484. p. 465. [Persian].
13. Arab Ameri. M. Parsamanesh. M. Citizenship in Islam. Journal Islamic Law. 2014. 11 (41); pp. 107-131. p. 471. [Persian].
14. Holy Quran: Hojarat 13; Baghareh 21; Aaraf 26-27; Baghareh 185; Anaam 90; Anbiaa 92; Maaedeh 8. [Arabia].
15. Eftekhari. A. Structural Signs of Islamic Security; a Case Study of the Prophetic Government. Journal Strategic Studies. 2004: 7 (4); pp. 641-668. p. 649. p. 658. [Persian].
16. Salimi. A.H. Islam is the true origin of international Law. Journal Islamic Law. 2015: 12 (7); pp. 79-112. p. 105. [Persian].
17. Dashti. J. Nahjalbalagheh. Qom: Publisher Mashhor; 2000. Khotbe 3; 97; 40; 27. [Arabia].
18. Hamiallah. M. International Behavior of the Islamic State. Trans by Mohaghegh damad. M. Tehran: Publisher Islamic Science; 2001. p. 131. [Arabia].
19. Javadi Amoli. A. Reason and Religion. Journal Guardian of Islam. 2002: 1 (250); p. 4. Persian. [Persian].
20. Motahari. M. A Look at the economic System. Tehran: Publisher Sadra; 1995. Persian. [Persian].
21. Khomeini. R. Tahrir Al-Vasileh. Qom: Publisher Islami; 1984. p. 54. p. 64. [Persian].
22. Samadi. GH.A. The global discourse of Mahdavidism and Human future. Qom: Publisher Jamkaran; 2015. p. 228. [Persian].